

بررسی اشتغال زنان در فرهنگ مردم شهر کرمان

محمد فرهنگی ، هادی شفیعی

۱- کارشناس ارشد مردم شناسی

۲- کارشناس ارشد مردم شناسی

Mohammad.farhangi20@gmail.com

hshafieemojaz10@gmail.com

چکیده

از آنجا که تاکنون شخصیت کاری زن در اجتماع و اشتغال و پیامدهای آن به گونه ای بایسته در ایران مورد پژوهش قرار نگرفته، این مقاله می کوشد با تکیه بر نقش های فرهنگی زنان کرمان در نظامهای گونه گون ملی برای این پرسش، پاسخی مناسب بیابد که آیا کار برای زن در هر دوره تاریخی و شرایط گونه گون اجتماعی فرهنگی ضروری است یا خیر؟ شواهد نشان میدهد که در گذشته ای نه چندان دور مادر تباری در نظام کلان خانواده ایرانی ارزش محسوب می شد، اما با تصاحب ابزارهای تولید زنان نیز به حاشیه راندند تا جایی که زنان بخشی از ابزار محسوب شدند و این مقارن با زمانی بود که دوران بردگی آغاز شد. سپس پایین بودن نرخ جمعیت و به تبع آن کمبود نیروی کار، زنان را به عرصه استثمار جسمی کشانید که با انحصار آب، زمین و محصولات از خودبستگی انسان بر انسان از یکسو و سلطه فرهنگ بر زن از سوی دیگر به ستم مضاعف منجر گردید. بدین سان اراده زن در انتخاب محدود و محصور شده و او از مشارکت در عرصه تولید خلاق اجتماعی محروم گردید. این مقاله با تکیه بر نظریه کارکردگرایی ساختاری پارسونز ، رادکلیف براون و تطورگرایی با تاکید بر روش تحلیل محتوا با شیوه گردآوری اطلاعات :مطالعات کتابخانه ای و میدانی (مصاحبه و مشاهده مشارکتی) تنظیم گردیده است.

واژگان کلیدی : زن، اشتغال، فرهنگ، اجتماع، کرمان

مقدمه

یکی از فعالیتهای خاص جوامع بشری کار است. تا پیش از انقلاب صنعتی تقسیم کار ساده و بر مبنای جنس و سن بود. اما با ورود صنعت و دگرگون شدن ساختارهای جامعه، تقسیم کار اجتماعی نیز پیچیده شد. تخصص های گوناگون پدید آمد، در پی آن نیاز جامعه به نیروهای فعال اجتماعی فزونی یافت. یکی از موضوعات اساسی در برنامه ریزی های خرد و کلان اقتصادی کشور ها توجه به نیروی انسانی است. نیروی انسانی هر کشور از ابزار لازم و ضروری برای توسعه اقتصادی است و بدون داشتن نیروی انسانی کارآمد و متخصص دستیابی به توسعه امری غیر ممکن است (سفیری، ۱۳۷۷: ۷) زنان به عنوان نیمی از جامعه که تا این زمان به کار خانگی می پرداختند، به عرصه کار اجتماعی وارد شدند. در این مرحله اشتغال زنان به مفهوم کار در بیرون از خانه با زمان معین، درآمد و نظمی معین مطرح شد. زنان نه تنها موضوع و هدف هر توسعه ای بلکه اهرمی موثر در پیشبرد اهداف توسعه اقتصادی و اجتماعی به شمار می آیند. به کارگیری بیشتر زنان خصوصا زنان تحصیل کرده در فعالیت های اقتصادی اجتماعی فرهنگی و سایر زمینه های مربوط به مجموع نظام اقتصادی و برنامه ریزی کشور و پیدا کردن راه حل هایی برای مبارزه با فقر، و رسیدن به رفاه نسبی و توزیع عادلانه در آمد سرانه ضرورت دارد. (توسلی، ۱۳۷۵: ۲۱۶).

محدوده تحقیق و جامعه آماری

استان کرمان در جنوب شرقی ایران قرار گرفته و با در بر گرفتن بیش از ۱۱ درصد از وسعت ایران، از استان های مهم و تاریخی کشور به حساب می آید. جمعیت این استان در سال ۱۳۹۰ و بر اساس آمار مرکز آمار ایران برابر با ۲/۹۳۸/۹۸۸ نفر بوده است و مرکز آن کلانشهر کرمان است که از این تعداد ۱/۵۵۲/۵۱۹ نفر ساکن مناطق شهری و ۱/۰۸۹/۷۴۸ نفر در مناطق روستایی ساکن هستند و ۱۰/۱۴۶ نفر به صورت غیر ساکن زندگی می کنند. به لحاظ جنسیتی نیز ۱/۳۵۳/۸۶۷ نفر مرد و ۱/۲۹۸/۵۴۶ نفر زن هستند. همچنین اکثریت جمعیت ساکن در شهرستان های ریگان، فهرج، رودبار جنوب، قلعه گنج و منوجان در جنوب شرقی استان کرمان از قوم بلوچ می باشند (گلاب زاده، ۱۴: ۱۳۷۲). جمعیت چند هزار نفری از زرتشتیان و اقلیتی از کلیمیان (یهودیان) نیز در کرمان زندگی می کنند. جامعه مورد مطالعه در این تحقیق واحدهای کارگری موجود در شهر کرمان است که طبق آمارهای به دست آمده از سازمان های تامین اجتماعی شامل ۱۸۴۷۱ واحد کارگری می باشد. این تعداد از کارگران در سه بخش خدمات، کشاورزی و صنعت مشغول فعالیتند. جامعه هدف در این تحقیق کارگران زن شاغل در بخش صنعت در شهرک صنعتی خضراء که دارای ۲۸۵ واحد کارگری می باشد به عنوان جامعه هدف انتخاب گردیده است.

پرسشهای تحقیق

- ◀ عوامل شغلی و فرهنگ کار در بین زنان شهر کرمان به چه صورت می باشد؟
- ◀ عوامل شخصیتی و فرهنگ کار در بین زنان شهر کرمان چگونه است؟
- ◀ عوامل سازمانی و فرهنگ کار در بین زنان شهر کرمان چگونه است؟

چارچوب نظری

این مقاله با تکیه بر نظریه تطور گرایی و اشاعه گرایی تنظیم گردیده است:: بر طبق این دیدگاه اشتغال زنان در جامعه نیز مراحل متعددی را پشت سر گذاشته است از دوران باستان تا کنون مراحل مختلفی از جمله گرآوری خوراک و دانه های گیاهی و پس از آن بافندگی تا مراحل آموزش در مراکز آموزشی و کار در دستگاه های دولتی و حکومتی سپری نموده است، همچنین اشاعه و انتقال فرهنگ ها از سایر فرهنگ ها به دلیل مجاورت و آمد و رفت به سایر کشورها تا حدی صورت پذیرفته است. مثلا: ورود فرهنگ اسلامی به ایران که پس از دوران ساسانیان ایران زمین را دگرگون ساخته و آداب و رفتار، خصوصیات اخلاقی پوشش مردان و زنان را نیز دچار تغییر نموده است.

تاریخچه اشتغال زن در ایران

- ۱- دوره مادها: در این دوره زنان به انجام امور خانه و نگهداری فرزندان و کار و زراعت در کنار شوهران اشتغال داشتند. پس از اتحاد قبایل، زندگی آنان از حالت کوچ نشینی دائم در آمده و در دهات و بلاد استقرار یافتند و کم کم قدرت مرکزی تشکیل دادند و زندگی مردم وارد مرحله جدیدی شد.
- ۲- دوره هخامنشیان: در این دوره زنان در برخی از کارها با مردان مشارکت داشتند و دستمزد و حقوق برابر با آنها دریافت می کردند که به صورت غیر نقدی به اجناس و کالاهای مختلف رایج آن زمان بود و بافندگی در میان زنان رونق داشت.
- ۳- دوره اشکانیان: زنان در این دوره نیز در فعالیت های تولیدی و اقتصادی شرکت داشتند از مجسمه سنگ آهکی که از گورستان یک زن و شوهر در پالمیر به دست آمده می توان دریافت که زنان آن دوره همچنان به رسیدن نخ و بافندگی مشغول بودند اما همانند روم و یونان مرد در استفاده از اموال زن کاملا مختار بوده است چون زن از هیچ حقوقی برخوردار نبود.

۴- دوره ساسانیان: در این دوره که آخرین سلسله شاهان ایران قبل از اسلام است افراد جامعه به چهار طبقه روحانیون، جنگجویان، دبیران و توده مردم شامل صنعتگران و کشاورزان شهری و روستایی تقسیم می شد و مشاغل زنان در ارتباط با طبقه ای بود که در آن تولد یافته بودند هرچند موقعیت زن در مناطق مختلف تا حدی متفاوت بود ولی به طور کلی بنابر قوانین متداول زن شخصیت حقوقی نداشت و شی تلقی می شد.

۵- اشتغال زن از ظهور اسلام تا دوره صفویه: زن در این دوره عمدتاً به کارهای خانه مشغول بوده و تاریخ کمتر از اشتغال آنان سخن می گوید. در این دوره تولید صنایع دستی مختلف توسط زنان عموماً در خانه صورت می گرفت متداول بود. در دوره صفویه تا مشروطیه نقش زنان عمدتاً به کارهای خانه محدود می شد. زنان در خانواده های فقیر در مواردی از قبیل فوت شوهر یا تنگدستی خانواده مجبور به کار و کسب در خارج از منزل بودند و به کارهایی از قبیل فروش مواد خوراکی، مشاطه گری، فرش صنایع دستی و از این قبیل می پرداختند و قالیبافی و صنایع دستی از رایج ترین کارهای زنان بود. در دوره قاجار نیز اشتغال زنان در خارج از خانه بیش از دوره های قبل است

۶- دوره مشروطیت تا پهلوی: از اقدامات این دوره که زمینه ساز اشتغال تعدادی از زنان بود تاسیس دارالمعارف برای تربیت آموزگاران زن بود که معلمان این مدارس از مردان مسن و دانشمند انتخاب می شدند فارغ التحصیلان این مراکز به شغل معلمی در مدارس دخترانه مشغول شده و کم کم تعداد مدارس دخترانه افزایش می یافت که مقدمه ورود دختران و زنان به عرصه فعالیتهای اقتصادی بود. در دوره رضا شاه رشد مطبوعات وابسته و تبلیغات آنها زمینه تشکیل انجمن های فرهنگی واجتماعی توسط زنان را فراهم آورد مقدمه اشتغال آنان در برخی مشاغل دولتی و غیر آن بود اما حضور آنان در جهت اهداف استعماری و جدا کردن آنان از مبادی دینی صورت می گرفت. در دوره محمدرضا شاه زنان در عرصه های مختلف اجتماعی و شغلی حضور داشتند

۷- دوران انقلاب اسلامی: امام خمینی (ره) با آگاهی از توانایی ها و ظرفیت های زنان، عرصه های جدیدی را برای حضور فعال زنان در جامعه و در راه پیشبرد اهداف اسلامی گشودند امام زنان را ترغیب به مقدرات اساسی و امور مهم اجتماعی نمودند تا شبیه دور ماندن و بر کناری نیمی از آحاد جامعه از فعالیت های اجتماعی را که توسط دشمنان القاء شده بود را برطرف نمایند

بحث (تجزیه و تحلیل داده ها)

شرایطی که جامعه برای اشتغال زن در خارج از خانه قائل است، بیش از آنکه رضایت زن در آنها لحاظ شود، به منافع خانواده توجه دارد. رضایت شوهر و بی خلل ماندن امور مربوط به خانه و خانواده شرط اصلی اشتغال قلمداد می شود. زن ایرانی نیز پذیرش اشتغال را به شرطهایی مشروط می سازد که حل مسائل مربوط به خانه و نگهداری فرزندان از جمله آنهاست. لذا، وی به مشاغلی روی می آورد که وقت کمتری اشغال کند و انتظارات جامعه را نیز از حیث «مادر خوب» و «همسر خوب» بودن برآورد. به نظر می رسد که رو آوردن بیشتر زنان به مشاغلی چون تدریس به این دلیل است که نیازهای آنان در این گونه مشاغل برآورده می شود، و در نتیجه، رضایت شغلی بیشتری حاصل می کنند. (آملی، ۴۴: ۱۳۸۵) در کشور ایران نقش زن در تولید خلاق اجتماعی حدود یک قرن سابقه دارد که همگام با مشارکت آنان در انقلاب مشروطه و پشتیبانی از متمم قانون اساسی به تدریج آغاز و در اولین گام جهت اشتغال به فرهنگ و مدرنیسم با توجه به ویژگی های ملی و دینی رویکردی جدی داشت. احداث مدارس و نشریات و حرفه معلمی و روزنامه نگاری و کحالی (چشم پزشکی) زمینه را برای گام های بعدی اشتغال آماده نمود. بررسی شاخص های رشد جمعیت فعال کشور از سال ۱۳۵۵ تا ۱۳۷۵ مبین آن است که به رغم افزایش جمعیت به میزان صددرصد و مهاجرت نیمی از روستاییان به شهرها میزان بیکاری زنان ۱۳ درصد است.. (اسماعیلی، ۱۳۸۹: ۱۵۷) تحقیقات نشان داده است که در سال های آینده تعداد کثیری از دختران فرصت ازدواج نخواهند داشت. نرخ طلاق نیز رو به افزایش است و این امر بر تعداد خانوارهای زن سرپرست خواهد افزود. این

خانوارها با احتمال بیشتری زیر خط فقر قرار می‌گیرند و انواع آسیب‌های اجتماعی، زندگی آنها و افراد تحت سرپرستی آنان را تهدید می‌کند که همه این عوامل در کنار بالا رفتن سطح تحصیلات دختران، بر تقاضا و ضرورت اشتغال زنان می‌افزاید. با توجه به ساختار سنی جمعیت و افزایش تاریخی نرخ مشارکت زنان، عدم توجه به ویژگی‌ها و تغییر و تحولاتی که در بازار کار در حال روی دادن است، می‌تواند منجر به رشد قابل توجه نرخ بیکاری زنان و جوانان گردد که علاوه بر هدر رفتن بخش عمده‌ای از سرمایه انسانی کشور و دور شدن از توسعه متوازن و پایدار، موجب تشدید دوگانگی و پیامدهای نامطلوب اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی چون طلاق، اعتیاد، فساد، انواع جرم و جنایت و... در جامعه خواهد شد. (زهی، ۱۹۲: ۱۳۷۷).

مؤلفه‌های مهم در امر اشتغال زنان

اگر ارزش‌های کاری را در پنج مقوله ۱- رضایت از ارزش‌های درونی ۲- بیرونی مرتبط با کار ۳- ارزش‌های درونی ۴- بیرونی پیامدی کار، ۵- ارزش‌های بیرونی مرتبط با افراد خلاصه کنیم، تعامل بین جنسیت و نوع رضایتمندی، محسوس و قابل ارزیابی است. نظریه‌هایی نظیر «بیگانگی» مارکس؛ «آنومی» دورکیم؛ (۱۳۵۶) «مشروعیت اقتدار و عقلانیت» وبر؛ (۱۳۷۴) نظریات «انگیزشی» فروید، مک کله لند، هرز برگ، مزلو و وروم؛ نظریه «جامعه‌پذیری فرهنگی» هافستد (۱۳۷۳) و دیدگاه‌های فمینیستی، هر کدام در باره اشتغال زنان، رضایت شغلی و گرایش ایشان به کار نظریاتی را بیان کرده‌اند، ولی از بررسی بعضی از واقعیت‌ها به این نتیجه می‌رسیم که همه این دیدگاه‌ها، باید نقش جنسیت را در مؤلفه تشخیص رضایت شغلی زنان و میزان آن دخیل بدانند. واقعیت این است که زنان کمتر به منابع و ثروت‌های اجتماعی دسترسی دارند و تجزیه جنسیتی مشاغل از پایدارترین اشکال بازار کار است.

زنان و باورها یا خرافات فرهنگی

فرهنگ ریشه در اعماق وجود ملت‌ها دارد؛ در باب اشتغال و بخصوص اشتغال بانوان نیز با باورهای فرهنگی روبه‌رو هستیم. مردان و گاهی خود زنان برخی از مشاغل را بد می‌دانند و از انجام آنها می‌پرهیزند. خانه‌داری و معلمی - بخصوص در سطوح ابتدایی - از مشاغل مطلوب زنان شمرده می‌شوند و مشاغلی دیگر همچون پرستاری هر چند کاری زنانه محسوب شده‌اند، اما به خاطر ساعات کاری یا نوع روابط میان پرستاران و بیماران، مورد نظر همسران نمی‌باشند. تعصبات و قضاوت‌ها با یکدیگر آمیخته می‌گردند. برای نمونه، به برخی از این باورها اشاره می‌شود: وقتی کار سخت می‌شود، زنان تاب نمی‌آورند. زنان مگارتند و پشت‌سر دیگران بدگویی می‌کنند. زنان از تصمیم‌گیری می‌ترسند یا دایم نظر خود را تغییر می‌دهند. زنان بیش از حد ایراد می‌گیرند. زنان از زن بودن خود برای رسیدن به اهدافشان بهره می‌جویند. زنان سمج و شلوغ کن هستند. زنان مسائل را بسیار شخصی تلقی می‌کنند. نرمش زنان مانع تصمیم‌گیری‌های کلان می‌شود. زنان پس از دیدن آموزش‌ها و توانایی‌های لازم، سازمان را برای تولد کودکان ترک می‌کنند. زنان زیاد احساساتی هستند و به هر بهانه‌ای گریه می‌کنند و ضعف نشان می‌دهند. زنان مسائل را بیش از حد پیچیده می‌کنند. زنان، به ویژه در اوقاتی از ماه، دمدمی مزاج و ناپایدارند. کالبرگ نوشته در مراحل اولیه، تنها به شخصیت کارکنان و سپس ذات کار توجه شده است و در مراحل بعدی، خصایص و شرایط سازمانی، توجه متفکران را به خود جلب کرده است (کالبرگ، ۱۹۷۷: ۱۲۵) این واقعیت که رضایت شغلی نه تنها از کارکرد و ویژگی‌های عینی کار، بلکه از انگیزه‌های افراد نیز سرچشمه می‌گیرد، اولین بار توسط مورس مطرح شد. برای پاسخ‌گویی بدین ابهامات، رویکرد کنش اجتماعی به جست‌وجوی معنای ذهنی کنشگران در روابط اجتماعی و از جمله روابط کاری می‌پردازد (وبر، ۱۳۷۴: ۳-۸) گلد تورپ و همکاران وی در تحقیقات خود به این نتیجه رسیدند که بدون شناخت معانی نسبت داده شده به فعالیت شغلی از طرف کارکنان، رضایت شغلی قابل تبیین نیست. (به نقل از کالبرگ، ۱۹۷۷: ۴۳). اسلام اشتغال را برای زن هدف نمی‌داند، بلکه آن را در خدمت خانواده و رفاه و آسایش آن می‌پذیرد. از این رو، بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، با افزایش استقبال زنان برای اشتغال در کارهای متناسب با منزلت

خودشان مواجهیم و این خود امری کاملاً مثبت و رویکردی صحیح است که در جامعه شکل گرفته که البته در کنار نقش همسری و مادری زن قرار می گیرد. این نیاز متقابل و تأثیر در کمال یکدیگر، همیشه و لزوماً به صورت معادله ۵۰٪ نیست، بلکه این نسبت به لحاظ زمینه ها و سرمایه های خلقی، تربیتی، اکتسابی و ایفای وظایف، با میزان این سرمایه ها در جنسیت دیگر متناسب می شود. (چلبی، ۱۳۷۶: ۲۲۳) البته وجود شرایط بیولوژیک و آناتومیک خاص در زنان سبب افزایش حساسیت ایشان نسبت به عوامل بیماری زای شغلی در مقایسه با مردان می شود که از مهمترین این تفاوت ها می توان به موارد زیر اشاره کرد:

(۱) در سیستم اسکلتی-عضلانی: طول ستون مهره های زنان بیشتر از مردان است و این عوامل زنان را مستعد ابتلا به کمر درد و سایر عوارض مفصلی می کند.

(۲) قدرت بدنی: به نظر می رسد قدرت بدنی زنان در مقایسه با مردان هم وزن و جثه کمتر است هر چند این تفاوت قطعی نیست.

(۳) سیستم تنفسی: نسبت سطح ریه به حجم بدن در زنان کمتر از مردان است به همین سبب جذب مواد شیمیایی از طریق تنفس در محیط کار زنان آهسته تر صورت گرفته و به همان نسبت دفع مواد شیمیایی جذب شده از طریق ریه کندتر صورت می گیرد.

(۴) مصرف انرژی: حداکثر توانایی مصرف انرژی در بانوان کمتر از آقایان است که این امر ناشی از پایین تر بودن ظرفیت حیاتی تنفسی و میزان هموگلوبین خون در زنان است.

(۵) نسج چربی: میزان چربی در بدن بانوان به مراتب بیشتر از آقایان است این امر به خصوص در مورد مواد سمی موجود در محیط کار که در نسج چربی جمع می شوند دارای اهمیت است.

(۶) هورمون ها: وجود هورمون های زنان، سبب افزایش حساسیت بانوان نسبت به بعضی سرطان زاهای موجود در محیط کار می شود. با وجود تمامی نکات و تذکرات ذکر شده سه مشخصه اصلی بیش از سایرین مورد نظر بوده و شرایط خاصی را برای کار بانوان ایجاد می نماید که این مشخصه های اصلی عبارتند از بارداری، شیردهی و مسایل مربوط به دوران میانسالی یافته ها نشان می دهد که می توان زنان شاغل را به سه گروه تقسیم بندی کرد:

گروه اول: آنهایی که با وجود کار خارج از خانه، به هنگام بازگشت به خانه مسوولیت های خانه داری و فرزندپروری را نیز بر عهده دارند و به دلیل تفکیک نشدن نقش ها و بنا به مصلحت، ناچار شدند به امور کارهای خانه و انجام امور تربیتی فرزند پرداخته و از سوی دیگر رضایت همسر را نیز تامین کنند. در این گروه، مردان با تصورات قالبی و سنتی خود در خانواده هیچ گونه همراهی و مشارکت در فعالیت های درون خانواده با همسران خود ندارند و به این معتقدند که شغل خارج از خانواده از وظایف اصلی و اساسی آنهاست، تا بتوانند امکانات اولیه زندگی را فراهم نمایند، لذا از دید آنها، امور خانه داری و کمک به تربیت فرزند، وظایف اصلی زن است. این پیامدها در وهله اول باعث خستگی روحی و جسمی زنان است که در نهایت به عدم رضایت از زندگی منجر می شود که این امر در رابطه با زندگی زناشویی و فرزندان تأثیرات مخربی بر جای خواهد گذاشت که بازتاب آن پیام های معیوب در شبکه ارتباطی خانواده است. پیامد دوم فشار ناشی از کار خارج از خانه از یک سو با همه مشکلاتی که به همراه دارد و فشار ناشی از بار سنگین مسوولیت در زندگی خانوادگی از سوی دیگر است که به مرور سبب افسردگی در زنان شاغل خواهد شد. پیامد سوم شامل زنان شاغلی است که مسوولیت مضاعف دارند و فشارهای بیشتری را در خانه و محیط های شغلی تحمل می کنند (ده بزرگی، ۱۳۹۰: ۷۷) این زنان معمولاً درگیری بیشتری با فرزندان خواهند داشت و نسبت به روابط طبیعی زناشویی بی علافگی بیشتری از خود نشان می دهند به ویژه آنکه معمولاً از سوی همسران خود نیز حمایت های لازم را نمی بینند.

زنان و تعارضهای شغلی و خانواده

تحقیقات نشان می دهد که هم مردان و هم زنان، تعارض های میان مطالبات خانواده و شغل را گزارش کرده اند اما مشکلات بیشتر متعلق به زنان است، زیرا زنان درگیر دو شغل تمام وقت هستند. پژوهش های دیگر نشان می دهد که احساس گناه و دلواپسی در مورد زنان دلبسته به شغل بیشتر است و همچنین تعارض شغل- خانواده بیشتر در میان زنان کارگر غیرحرفه ای وجود دارد و به احتمال بالا، ابراز عاطفه و خلق و خوی آنها را تحت تاثیر قرار می دهد (عطارد، ۱۳۹۱: ۴۵). تحقیقات دیگری نشان می دهد که به طور کلی زنانی که در بیرون از خانه مشغول فعالیت هستند از نظر روانی و جسمانی سالمتر از زنانی هستند که به طور تمام وقت به کارخانه داری مشغول هستند (سقاوت، ۱۴: ۱۳۹۰). تحقیقات دیگری نشان داده اکثریت زنان کارمند بعد از آنکه به خانه میروند، فشار خون آنها کاهش می یابد، زیرا با استرس اضافی در رابطه با خانواده و وظایف خانه داری مواجهند. (سفیری، ۱۳۷۷: ۱۲۸).

نتیجه گیری

در جامعه ایرانی از دیرباز فرهنگ مقایسه و چشم و هم چشمی، رواج داشته است. در این فرهنگ، افراد خود را در زندگی روزمره با دیگر طبقات اجتماعی مقایسه می کردند و در نوع پوشش، فرهنگ غذایی، خانه آرای، تحصیلات و اشتغال از یکدیگر اقتباس می کردند. در این میان، تحصیلات و اشتغال زنان به سرمایه اجتماعی خانواده ها و ابزار کسب آبروی اجتماعی تبدیل شد. در ایران نیز بیشتر قوانین رسمی در جهت تساوی میان زن و مرد در زمینه اشتغال نوشته شده است حتی در قانون کار نیز بحثی با عنوان شرایط کار زنان، در ماده ۳۸ قانون کار جمهوری اسلامی ایران حمایت های خاصی برای زنان کارگر تعیین شده است، اما ماده ۱۱۱۷ قانون مدنی کشور، مرد را به عنوان رئیس اصولی خانواده عنوان می کند که به گونه ای تساوی اشتغال زن و مرد را تحت الشعاع قرار می دهد. (یزدخواستی، ۱۳۷۲: ۶۷). براساس این قانون، شوهر می تواند زن خود را از حرفه یا صنعتی که منافی مصالح خانوادگی یا حیثیت خود زن باشد منع کند. به طور کلی زنان به دلایل چند اشتیاق بیشتری به کار کردن نشان داده اند:

۱. عوامل اقتصادی
۲. چشم هم چشمی
۳. استقلال طلبی
۴. عدم تعادل اجتماعی
۵. برابری خواهی های مادی
۶. ترس از آینده
۷. عدم امنیت شغلی همسر
۸. زیاده خواهی و فخر فروشی

منابع و ماخذ

- [۱] ملی، احمد، (۱۳۸۵) اشتغال زنان، تهران، نشریه نافه شماره ۱۱ و ۱۲.
- [۲] اسماعیلی، مهدی، (۱۳۸۹) اشتغال زنان، چالش ها و راهکارها، مهدی اسماعیلی، تهران، نشریه جام هفته، شماره ۲۸۳.
- [۳] چلبی، مسعود، (۱۳۷۵) جامعه شناسی نظم، تهران، نشر نی.
- [۴] دورکیم، امیل، (۱۳۵۹) تقسیم کار اجتماعی، ترجمه حسن حبیبی، تهران، قلم.
- [۵] ده بزرگی، ژاله، (۱۳۹۰) اشتغال زنان، تهران، روزنامه حمایت ۱/۲۶، ۸۴/۱.
- [۶] راودراد، اعظم، (۱۳۷۹) تحلیلی بر نقش زن در توسعه با تأکید بر اشتغال. نامه علوم اجتماعی، ش ۱۵.
- [۷] زن، علم، صنعت و توسعه، دفتر امور زنان در نهاد ریاست جمهوری.

- [۸] زهی، بهناز، (۱۳۷۷) بررسی عوامل مؤثر بر رضایت شغلی زنان در شهر مشهد، پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس.
- [۹] سخاوت، جعفر، (۱۳۸۰) وضعیت اشتغال زنان در ایران با تکیه بر اشتغال فارغ‌التحصیلان مدارس حرفه‌ای دختران، نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران، ش ۵، تهران، نشر کلمه.
- [۱۰] سفیری، خدیجه، (۱۳۷۷) جامعه‌شناسی اشتغال زنان، تهران، تبیان.
- [۱۱] عطارد، فاطمه، (۱۳۹۱) اشتغال زنان، پیامدها و راهکارها، فاطمه عطارد، تهران، نشریه بانوان شیعه، شماره ۸.
- [۱۲] گراب، ادوارد، (۱۳۷۳) نابرابری اجتماعی. دیدگاه‌های نظریه پردازان کلاسیک و معاصر، ترجمه محمدسیاهپوش و دیگران، تهران، معاصر.
- [۱۳] میر احمدی، شیرین، (۱۳۸۰) زنان، تنوع و تعدد نقش‌ها، برخی عوامل فرهنگی - اجتماعی مؤثر بر مشارکت
- [۱۴] محدود زنان. نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران، ش ۴، تهران، نشر کلمه.
- [۱۵] وبر، ماکس، (۱۳۷۴) جامعه و اقتصاد، ترجمه عباس منوچهری و دیگران، تهران، مولی.
- [۱۶] یزد خواستی، بهجت، (۱۳۷۲)، (زنان و تغییرات اجتماعی، تهران، سازمان برنامه و بودجه).